

کارگران جهان متحد شوید!



برنامه

“اتحاد مبارزان کمونیست”

فروردین ۶۰



## برنامه

# ”اتحاد مبارزان کمونیست“

این برنامه در نیمه اول فروردین ۶۰ ، توسط کلیه اعضاء  
”اتحاد مبارزان کمونیست“ ، به اتفاق آراء ، به تصویب رسید.

مؤخره‌ای شامل چند نکته توضیحی ضمیمه این متن است .

## مقدمه

یکصدوسی سال پس از "مانیفست کمونیست"، کمونیستها در سراسر جهان نشان داده‌اند که ثابت قدم ترین بخش جنبش کارگری و پرچمدار این جنبش برای نابودی نظام استثمار و سرمایه‌داری هستند و نشان داده‌اند که تنها کمونیسم می‌تواند جنبش جهانی کارگری و جنبش های دموکراتیک را به پیروزی راهبر گردد. مدتهاست که کمونیسم خود را بعنوان تنها سلاح انقلابی که قادر به دفن نظام طبقاتی بورژوازی است، در سراسر جهان تثبیت کرده است.

این پیروزی نه تنها بورژوازی را در مبارزه آشکارش علیه کمونیسم درنده‌خوهر کرده‌است، بلکه در عین حال او را واداشته است که در جنگ بی‌امان خود علیه کمونیسم بیش از پیش تحت فشار کمونیسم سخن گوید و از درون سبز با آن بستیزد. کمونیستها همیشه ملزم بوده‌اند که نظرات، اهداف و تحولات خود را به روشن ترین وجه بیان کنند و موقعیت کنونی ادای این وظیفه را بیش از همیشه مبرم ساخته است.

ما در پاسخ به این وظیفه مبرم اعلام می‌داریم که کمونیست هستیم؛ بر تئوری مارکس، انگلس و لنین اتکاء داریم و بر صحبت و حفاظت آموزشهای این تئوری پای می‌ناریم. این تئوری راه مبارزه ما را روشن نموده و ثابت کرده است که نابودی سرمایه‌داری

و بنا نهادن جامعه نوین سوسیالیستی تنها از طریق انقلاب اجتماعی  
پرولناریا امکان پذیر است .

این تئوری بنا آموخته است که هیچگاه برای اصلاح سرمایه‌داری  
طرح نریزیم . هیچگاه برای بهبود وضع کارگران به سرمایه‌داران و  
دولتشان متوسل نشویم و به آنان بند و اندرز ندهیم ، و هیچگاه  
برای رسیدن به قدرت سیاسی به فریب و دسیسه و شوطه نیندیشیم .  
ما اعتقاد داریم که طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد می‌گردد ،  
و وظیفه خود را این قرار داده‌ایم که در همه جا تضاد مافسح  
کارگران و سرمایه‌داران را افشاء کنیم ، مابنی استثمار و مشقات  
طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری را توضیح دهیم ؛ ضرورت ، حقیقت  
و شرایط انقلاب اجتماعی پرولناریا را روشن نمائیم و مبارزه  
طبقه‌ای کارگران را در جهت پیروزی این انقلاب سازماندهی و رهبری  
کنیم .

از اینرو ما برنامه خود را اعلام می‌داریم ، طبقه کارگر را  
به مبارزه حول آن فرا می‌خوانیم و برای تبدیل احکام و مباحثی  
آن به پرچم جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بگیریانه مبارزه می‌کنیم .

\* \* \*

نیوه تولید در ایران سرمایه‌داری است . اصلاحات ارضی  
دهه چهل جریان طولانی و کند تحول نیوه تولیدی ایران  
از فتودالی به سرمایه‌داری را به فرجام رسانید . اصلاحات ارضی  
که هدف اصلی آن ایجاد پرولناریای شهر تکمیل می‌داد ، میلیونها  
روستایی را که در نتیجه آن خلع ید شده بودند به بازار کار  
مزدی ، عمدتاً در شهرها و مدرجه کسری در روستا ، روانه کرد و  
آن ارتش وسیع کارگران مزدی را که سرطلام تولید و استثمار  
سرمایه‌داری است ، بوجود آورد . این خلع ید که اساساً بر مسای  
نیارهای سرمایه امپریالیستی صورت گرفت ، ایران را عتانه بک  
کسور تحت سلطه امپریالیسم ، به جرگه کشورهای سرمایه‌داری کشاند .

بدین سان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه‌داری ، مبارزه استثمارشوندگان علیه استثمارکنندگان بر محور مبارزه پرولتاریا و بورژوازی بمثابه طبقات‌اعلی جامعه ، شکل می‌گیرد .

❖ **خصلت جهانی نظام سرمایه‌داری به جنبش عظیم طبقه کارگر برای رهایی ، ناگزیر خصلتی جهانی می‌بخشد . کارگران میهن ندارند و مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه‌داری مبارزه‌ای بین‌المللی است ، اما طبقه کارگر هر کشور باید در وهله اول کار را با بورژوازی کشور خود بکسره کند .**

❖ **ما ، "اتحاد مبارزان کمونیست" ، خود را جزئی از جنبش طبقه کارگر ایران و به این اعتبار جز' یکی از گردان‌های ارتش جهانی طبقه کارگر می‌دانیم ، و برای همان هدفی مبارزه می‌کنیم که کمونیستهای سراسر جهان بیثاروی خود قرار داده‌اند . این هدف که بوسیله خصوصیات بنیادی جامعه سرمایه‌داری و روند توسعه آن تعیین گشته است ، برجیدن نظام طبقاتی سرمایه‌داری و جایگزینی آن بسا بوسیله‌یسیستم است .**

❖ **نظام سرمایه‌داری منشاء تمامی مشقات و محرومیت‌های مادی و معنوی و موقعیت‌ناامن و نابسامان توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش در سراسر جهان است . این نظام بانی فقر و فلاکت ، بیکاری و بی‌خانمانی ، تبعیضات اجتماعی و بی‌حقوقی سیاسی ، ستم ملی و ستمکشی زن ، جهل ، فحشاء و اعتیاد ، و کلیه معاش‌گره‌بیا انگیز توده‌هاست .**

خصوصیت‌اعلی این نظام کالا شدن نیروی کار و استثمار کارمزدی است . در این نظام بخش اعظم و عمدهٔ وسایل تولید و مبادله در مالکیت خصوصی طبقه‌ای است که اقلیت ناچیزی را در جامعه دربر می‌گیرد و برای کسب سود هرچه بیشتر اکثریت عظیم جامعه را کسبه عمدنا از پرولترها و نیمه پرولترهایی تشکیل می‌شود که بسراي ادامهٔ حیات ناچار از فروش نیروی کار خویش هستند ، استثمار می‌کنند .

در این نظام هر قدر کارگران بیشتر و شدیدتر کار می‌کنند و به ضرورت  
اجتماعی می‌افزایند ، سرمایه قدرت اجتماعی بیشتری می‌یابد ؛ و هر  
چه سرمایه قدرتمندتر می‌شود ، توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش سلب  
ناسایمانی و محرومیت‌های اجتماعی عمیق تری دچار می‌گردند .

یک جزء لاینجزای تولید سرمایه‌داری ، رقابت و هرج و مرج تولیدی  
ناشی از آن است ؛ و عمیقاً از درون و مجرای این هرج و مرج تولید است  
که فواین کور اقتصادی جامعه سرمایه‌داری خود را اعمال می‌کنند و  
نتایج و عواقب فلاتکثیر خود را به بار می‌آورند . همراه با انباشت  
و تمرکز ناگزیر و روزافزون سرمایه ، از یکسو استثمار توده‌های کارگر  
شدت می‌یابد و از سوی دیگر افکار هر چه وسیعتری از تولید کنندگان  
خود به ورشکستگی کشیده شده و به صفوف طبقه کارگر رانده می‌شوند .  
همچنین بحران‌های اقتصادی ادواری و مکرر سرمایه‌داری که نتیجه  
اجتناب‌ناپذیر تضاد ذاتی این نظام ، یعنی تضاد میان خصلت  
اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت است ، هر بار به مراتب بر  
ابعاد منقعات توده‌ها می‌افزاید و شکاف میان فقیر و غنی را عمیق و  
گسترش بیشتری می‌بخشد .

اما ناپودی سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است ، چه این  
نظام در سیر توسعه خود ضرورت و شرایط ناپودی خود را فراهم  
می‌آورد . نظام سرمایه‌داری از یکسو بدلیل تضادهای بنیادی  
اقتصادی آن و اساساً به این دلیل که همراه با انباشت سرمایه برصفت  
سودآوری ، هر چه بیشتر بر سرمایه تنگ می‌شود ، به بن بست می‌رسد .  
و از سوی دیگر این نظام در سیر توسعه خود گورکن خویش یعنی پرولتاریا  
را ، بوجود می‌آورد . در روند توسعه سرمایه‌داری بر شما رکارگران  
افزوده می‌شود و به موازات این گسترش کمی ، قدرت و همبستگی طبقه  
کارگر افزایش می‌یابد ، پرولتاریا قدرت خود را بیشتر حس می‌کند و  
بیرد او بر ضد استثمارگران حادث و پرتوان تر می‌شود . علاوه بر  
قدرت تولیدی و اجتماعی شدن هر چه بیشتر تولید در نظام سرمایه‌داری  
مقدمات و امکان تحقق سوسیالیسم را فراهم می‌سازد .

همراه با توسعه سرمایه‌داری ناراضی‌های عمومی از وضع موجود شدت می‌گیرد، اما در مقابل تمامی زحمتکشان غیر پرولتاریه علیه سرمایه‌داری شرایط مساعد زیست خویش، کلاً در حفظ بنیادهای سرمایه‌داری دینتفهند، این تنها پرولتاریاست که به دلیل جایگاه ویژه خود در تولید اجتماعی، تنها طبقه تا به آخر انقلابی و قادر به نابودی نظام سرمایه‌داری است.

**۴** انقلاب اجتماعی پرولتاریا با سلب مالکیت از استثمارگران، مالکیت اجتماعی وسایل تولید و مبادله را به جای مالکیت خصوصی بورژوازی می‌نشانند. و تولید سازمان یافته و برنامه ریزی شده در سطح جامعه را جایگزین تولید سرمایه‌داری و هرج و مرج ذاتی آن می‌سازد. به تمامی اشکال بهره‌کشی بخشی از جامعه از بخش دیگر و به تقسیم جامعه به طبقات پایان می‌دهد، و حداکثر رفاه و ارتقاء همه‌جانبه تمامی آحاد مردم را تأمین می‌کند. و به این ترتیب انقلاب اجتماعی پرولتاریا بشریت را به جامعه کمونیستی رهنمون می‌شود. جامعه‌ای که در آن دولت زوال یافته و بشر برای اولین بار بر سازمان اجتماعی خود و بر طبیعت مسلط خواهد شد و بدینسان بمعنای واقعی آزاد خواهد گشت.

**۵** شرط لازم تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا و برقراری سوسیالیسم، درهم گویندن مائین دولتی بورژوازی، تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست. دیکتاتوری پرولتاریا، پرولتاریای سازمان یافته بمثابه طبقه حاکمه است. این دولت‌نویین وظیفه به فرجام رساندن انقلاب اجتماعی و سرکوب مقاومت استثمارگران را بعهده دارد. دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و سرکوب برای استثمارگران است و اولین کاملترین و عالی‌ترین نوع دموکراسی است.

**۶** برای آنکه طبقه کارگر به انجام رسالت تاریخی خود مائل شود، باید که حزب مستقل طبقاتی و سناد رهبری کننده

مبارزه خود علیه سرمایه‌داری، یعنی حزب کمونیست، را برپا دارد. حزبی که با اتکاء به تئوری مارکس، انگلس و لنین کلیه وجوه مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی را سازمان داده و طبقه کارگر را در انجام انقلاب اجتماعی رهبری نماید. حزبی که علاوه بر این چهاره ناپذیری مشقات و محرومیت‌های کلیه توده‌های تحت‌ستم و استثمار را، در چهارچوب نظام سرمایه‌داری، برای آنان توضیح داده و آنان را در مبارزه برای رهایی کامل به ترک موضع طبقاتی خود و پیوستن به صفوف پرولتاریای انقلابی فراخواند.

« در شرایطی که پرولتاریای ایران از حزب طبقاتی و ستاد رزمنده رهبری خویش محروم است، مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران یک وظیفه مبرم و حیاتی جنبش کمونیستی ایران بشمار می‌رود و ما، "اتحاد مبارزان کمونیست"، بعنوان جزئی از این جنبش بیگیرانه در این راه مبارزه خواهیم کرد. علاوه در فقدان یک سن‌الملل لنینی پرولتاریا از ستاد رهبری جهانی خود محروم مانده است و لذا یکی از وظایف اساسی کلیه احزاب و نیروهای کمونیست در سراسر جهان، تلاش و مبارزه بیگیر در راه برپا داشتن این ستاد، یعنی بین‌الملل نوین کمونیستی است.

امروز قریب هشتاد سال از ورود سرمایه‌داری به مرحله امپریالیسم می‌گذرد. امپریالیسم، با عمر سرمایه‌مالی، عصری است که در آن رقابت آزاد میان اقشار مختلف سرمایه جای خود را به رقابت سیفانه میان انحصارات بزرگ امپریالیستی و دولت‌های امپریالیستی که جهان را از نظر اقتصادی و ارضی میان خود تقسیم نموده‌اند، می‌دهد و با صدور سرمایه، تمامی کشورهای جهان زیر سیوغ سرمایه و امپریالیسم کشیده می‌شوند. بحران‌های سرمایه‌داری اینک با فواصل کمتر و عمق و دامنه بیشتر رخ می‌دهند. بیکاری و خانه‌خوابی میلیونها انسان در سراسر جهان، سرکوب مستمر و خویش راگرا و



و خلق های تحت ستم کشورهای مختلف ، ملیتاریسم و ارتجاع سیاسی در اشکال متنوع ، همه بیانگر این واقعیت است که امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری تمامی خصوصیات استثمارگرانه و تمامی تضادهای بنیادی اقتصادی این نظام و نیز تمامی مشقات ناشی از آن را شدت می بخشد . جنگ های امپریالیستی که بخاطر استیلا یافتن بر جهان ، بمنظور تحصیل بازارهای کاروکالا برای سرمایه مالی و بسط قلمرو انضباط ملت های کوچک و ضعیف تر برپا می شوند ، در این عصر اجتناب ناپذیرند . دو جنگ جهانی و خانمان برانداز اول و دوم چنین جنگها شئی بوده اند . نظر به عوامل فوق ، امپریالیسم نه تنها بالاترین مرحله سرمایه داری ، بلکه مرحله گنبدیگی ، زوال و فروپاشی آن نیز هست . عصر امپریالیسم در عین حال عصر انقلاب سوسیالیستی پرولتاریاست .

♦ یکی از موانع اصلی سد راه مبارزه پرولتاریا برای سوسیالیسم ، رویزیونیسم است . رویزیونیسم یک پدیده بین المللی است و با وجود اینکه در هر کشور ممکن است مضمون و شکل ویژه ای بخود بپذیرد ، اساسا به معنای عدول از مبانی تئوری و برنامه انقلابی ما رگسیم - لنینیسم و تحریف بورژواشی آنست که در زمینه سیاسی به معنای نفی مبارزه طبقاتی و دیکتاتور پرولتاریاست . رویزیونیستها و احزاب مختلف رویزیونیست که در کشورهای مختلف نمایندگان فکری و عاملین نفوذ بورژوازی در صفوف جنبش انقلابی طبقه کارگر می باشند ، نفشی جز کشاندن پرولتاریا به زیر سلطه و نفوذ بورژوازی ندارند . لذا ، مبارزه برای سوسیالیسم از نقطه نظر پرولتاریای انقلابی از مبارزه علیه رویزیونیسم و اشکال متنوع آن جدا نیست . رویزیونیسم در سطح بین المللی امروز عمدتا در اشکال رویزیونیسم مدرن ( خروشچی ) ، رویزیونیسم "جهانی" ، تروتسکیسم ، "کمونیسم اروپایی" و رویزیونیسم پوپولیستی به خیانت خود به طبقه کارگر ادامه می دهد .

• در ایران نیروهای چون حزب ثوده و سازمان چریکهای

فدایی خلق ( اکثریت ) رویزیونیسم خروشچی ، وحسب زب  
رنجبران رویزیونیسم "سه جهانی" را بطور آشکار و مستقیم و  
بمثابه یک جریان نمایندگی می‌کنند ، و لذا تماما ضد کارگری  
و ضد انقلابی‌اند . اما گرایش‌انحرافی عمده در جنبش کمونیستی  
ما در مقطع کنونی رویزیونیسم پوپولیستی است که بسیاری از  
نیروهای کمونیست را در زمینه " تاکتیک به نوسان میسران  
اپورتونیسیم و آنارشیسیم ناگزیر می‌مازد . از اینرو ما موفقیت  
طبقه کارگر ایران را در امر ایجاد حزب کمونیست و پیشبرد  
انقلاب خویش ، در گرو مبارزه قاطع با اشکال مختلف رویزیونیسیم  
در جنبش کارگری و کمونیستی و تصفیه کامل این جنبش از کلیه  
انحرافات رویزیونستی - و بویژه پوپولیستی - می‌دانیم و  
شرکت فعالانه و پیگیر در این مبارزه را یک وظیفه اصلی و حیاتی  
خود بشمار می‌آوریم .

۱۱ حاکمیت رویزیونیسیم بر احزاب کمونیست شوروی و چین بسبب  
شکست و عقب‌رانده شدن طبقه کارگر جهانی از دوسنگرمهم  
خود در این کشورها انجامیده است . اکنون بورژوازی در شوروی موفق  
شده است که دیکتاتوری پرولتاریا را امحاء کند و حاکمیت سیاسی خود  
و نظام سرمایه‌داری را در این کشور احیاء نماید . در چین نیز با تسلط  
قطعی رویزیونیسیم بر حزب کمونیست این کشور ، طبقه کارگر از قدرت  
سیاسی بیرون رانده شده و قدرت بورژوازی و نظام سرمایه‌داری در آن  
تحکیم یافته است . امروز این دو کشور به اردوگاه ضد انقلاب بورژوا -  
امپریالیستی جهان تعلق دارند . شوروی امروز در سطح جهانی پرچمدار  
و نقطه اتکاء رویزیونیسیم خروشچی و مدافع رفرمیسم بورژوایی - گسه  
در عمر امپریالیسم جریان‌های ارتجاعی است - می‌باشد . چین نیز پرچمدار  
و نقطه اتکاء رویزیونیسیم "سه جهانی" و مدافع ارتجاعی ترین گرایشات  
و جریان‌های بورژوایی است .

اما علیرغم همه شکستهای موفتی که بورژوازی و امپریالیسم

بر طبقه کارگر و توده‌های ستمکش تحت رهبری و تحمیل کرده اند و علی‌رغم تمامی موانعی که بر سر راه انقلاب پرولتری قرار می‌دهند، مبارزه طبقاتی پرولتاریا ادامه یافته و پیروزی نهائی او اجتناب‌ناپذیر است.

۱۴ نظر به ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای مختلف، کمونیست‌ها برای رسیدن به هدف نهائی و مشترک خود ناگزیرند در هر کشور مبارزه برای اهداف فوری متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهند. امپریالیسم بنا بر ماهیت خود تقسیم بندی پایه‌ای و مهمی در جهان بوجود آورده است؛ کشورهای امپریالیست و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم که مبارزه طبقاتی در هر یک از آنها از شرایط خاص خود برخوردار است.

در سطح اقتصادی، امپریالیسم در کشور تحت سلطه شدیدترین شرایط استعمار را بر طبقه کارگر و دیگر طبقات زحمتکش اعمال می‌کند و در کشور امپریالیست دقیقاً به انکاء همین پروسه تولید فوق سود، پایه‌های مادی ایجاد اشرافیت‌کاری - بخشی از طبقه کارگر که از این فوق سود بهره‌مند می‌شود - را بوجود می‌آورد.

در سطح سیاسی، در کشور تحت سلطه، دیگر طبقات و اقشار زحمتکش این قابلیت را ندارند که در کنار طبقه کارگر به مبارزه انقلابی کشیده شوند و در کشور امپریالیست بخشی از خود طبقه کارگر - اشرافیت‌کاری - خصلت انقلابی خود را از دست می‌دهد و به پایه‌های مادی نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در طبقه کارگر و سازمان‌های سیاسی آن بدل می‌گردد. امپریالیسم در کشور تحت سلطه عمدتاً با تکیه بر دیکتاتوری عریسان و نفی دموکراسی در تمام ابعاد آن، حاکمیت بورژوازی را سرپا نگاه می‌دارد، حال آنکه در کشورهای امپریالیست عمدتاً با انکاء جریان‌های فرمیستی، رویزیونیستی و اپورتونیستی خائن به طبقه کارگر، جنبش‌کاری را از درون مهار می‌زند و بر همین مبنا امکان می‌یابد تا حاکمیت بورژوازی را با حفظ شکل دموکراسی بورژوازیسی،

تداوم بخشد.

۱۳ ایران کشوری سرمایه داری و تحت سلطه امپریالیسم است که اساس اقتصاد آن را تولید فوق سود امپریالیستی بر مبنای استثمار نیروی کار ارزان طبقه کارگر تشکیل می دهد. نتیجه تباهی این رابطه معین میان کار و سرمایه ، مکان ویژه ای است که تولیدکنندگان خرده پادشهر و روستا اخراج می کنند. سطح معیشت این اقشار نیز ، به دلیل اینکه بخش اعظم اضافه تولیدشان توسط بورژوازی تصاحب می شود ، به سطحی بسیار نازل کاهش یافته و مستمرا در معرض جدایی کامل از وسایل تولید خود قرار دارند و به این اعتبار غیر مستقیم و بالقوه جزئی از ارتش ذخیره کار ب شمار می روند.

در سطح سیاسی ، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران سالهاست که خشن ترین دیکتاتورهای پلیسی و نظامی و وحشیانه ترین شیوه های سرکوبگرانه بورژوازی و امپریالیسم را تجربه کرده اند. امپریالیسم ، و بورژوازی عصر امپریالیسم گرایش ذاتی خود را به نفی دموکراسی بطور کلی در ایران به نمایش گذارده است .

در چنین شرایطی پرولتاریای آگاه ایران و حزب کمونیست او ناگزیر است تا در وهله اول مسا عدترین زمینه ها و پیش شرط های اقتصادی و سیاسی را ، برای هر چه فشرده تر کردن صفوف خود ، برای جلب بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان ب زیر پرچم خود و برای حرکت نهایی خود بسوی سوسیالیسم ، از طریق یک انقلاب دموکراتیک ، پیروز مند علیه بورژوازی بکف آورد. این انقلاب طلیمه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای ایران و جزء لاینجزای انقلاب سوسیالیستی جهانی است .

از اینرو ما اعلام می کنیم که پرولتاریای انقلابی از هر جنبش دموکراتیک - ضد امپریالیستی که به شیوه ای انقلابی بر علیه نظام موجود دست به مبارزه زند حمایت می نماید .

ما اعلام می کنیم که شرط لازم پیروزی انقلاب دموکراتیک ایران ، تشکیل حزب کمونیست و تأمین رهبری و همبندی پرولتاریای سوسیالیست

تداوم بخشید.

۱۳ ایران کشوری سرمایه داری و تحت سلطه امپریالیسم است که اساس اقتصاد آن را تولید فوق سود امپریالیستی بر مبنای استثمار نیروی کار ارزان طبقه کارگر تشکیل می دهد. نتیجه تباهی این رابطه معین میان کار و سرمایه ، مکان ویژه ای است که تولیدکنندگان خرده پادشهر و روستا اجرا می کنند. سطح معیشت این اقشار نیز ، به دلیل اینکه بخش اعظم اضافه تولیدشان توسط بورژوازی تصاحب می شود ، به سطحی بسیار نازل کاهش یافته و مستمر در معرض جدایی کامل از وسایل تولید خود قرار دارند و به این اعتبار غیر مستقیم و بالقوه جزئی از ارتش ذخیره کار شمار می روند.

در سطح سیاسی ، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران سالهاست که خشن ترین دیکتاتورهای پلیسی و نظامی و وحشیانه ترین شیوه های سرکوبگرانه بورژوازی و امپریالیسم را تجربه کرده اند. امپریالیسم ، و بورژوازی عصر امپریالیسم گرایش ذاتی خود را به نفی دموکراسی بطور کلی در ایران به نمایش گذارده است .

در چنین شرایطی پرولتاریای آگاه ایران و حزب کمونیست آن ناگزیر است تا در وهله اول مسا عدترین زمینه ها و پیش شرط های اقتصادی و سیاسی را ، برای هر چه فشرده تر کردن صفوف خود ، برای جلب بخشش وسیعی از کارگران و زحمتکشان به زیر پرچم خود و برای حرکت نهایی خود بسوی سوسیالیسم ، از طریق یک انقلاب دموکراتیک ، پیروز مند علیه بورژوازی بکف آورد. این انقلاب طلیمه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای ایران و جزء لاینجزای انقلاب سوسیالیستی جهانی است .

از اینرو ما اعلام می کنیم که پرولتاریای انقلابی از هر جنبشی دموکراتیک - فدا امپریالیستی که به شیوه ای انقلابی بر علیه نظام موجود دست به مبارزه زند حمایت می نماید .

ما اعلام می کنیم که شرط لازم پیروزی انقلاب دموکراتیک ایران ، تشکیل حزب کمونیست و تأمین رهبری و هژمونی پرولتاریای سوسیالیست

در صفوف جنبش انقلابی است ، و در عین حال تاکید می‌ورزیم که برای پرولتاریای انقلابی و حزب او پیروزی در انقلاب دموکراتیک پایان کار نیست و او از این انقلاب بیدرنگ و درست به میزان نیروی خویش ، یعنی نیروی پرولتاریای آگاه و منسکل ، به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهد کرد . ما کمونیستها خواهان انقلاب بی‌وقفه‌ایم .

۱۴ انقلاب دموکراتیک کنونی ایران که بر زمینهٔ بحران اقتصادی سال ۱۳۵۵ شکل گرفت ، در اولین مراحل خود و با قیام بهمن ، رژیم سلطنت را که مدافع مستقیم استثمار و ارتجاع امپریالیستی در ایران بود بزیر کشید . اما اساساً بدلیل فقدان صف مستقل پرولتاریا و عدم تامین رهبری پرولتاریای سوسیالیست بر جنبش انقلابی ، رهبری جنبش در اختیار جریان‌ات و نیروهای خرده‌بورژوا و بورژوا-لیبرالی قرار گرفت که از همان پیش از قیام خواستار مصون داشتن دستگاه حکومت بورژوازی از ضربات انقلاب و حفظ پایه‌های اساسی حاکمیت سرمایه‌داری ایران بودند . بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی از بدو استقرار خود ممانعت از رشد و گسترش انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی بالخصوص جنبش کارگری و کمونیستی را در دستور خود قرار داده و برای تحقق این هدف ضدانقلابی خویش فعالانه کوشیده است . رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت خود ، نه می‌خواهد و نه می‌تواند به خواستهای انقلابی و دموکراتیک توده‌های کارگر و زحمتکش جامعه عمل بوشد و گریزی از این ندارد که بمثابةٔ ابزاری در خدمت نجات بورژوازی و امپریالیسم از مهلکهٔ انقلاب و اعادهٔ نظم ضدانقلابی مطلوب بورژوازی عمل نماید .

اما ، علیرغم تلاشهای بورژوازی و امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران ، که با آنگاه بر رژیم جمهوری اسلامی و احزاب بورژوایی و ضدانقلابی گوناگون چه در داخل حکومت و چه در اپوزیسیون آن ، صورت می‌گیرد ، این انقلاب ادامه یافته و امروز می‌رود تا در صورت سرکست فعال و آگاهانهٔ پرولتاریای انقلابی از اعتلای نوینی برخوردار شود .

## ★ در چنین شرایطی :

"اتحاد مبارزان کمونیست" وظیفهٔ مقدم خود را تلاش و مبارزه برای متحد کردن صفوف جنبش کارگری در حزب کمونیست و برای متحقق ساختن آنچنان نظام سیاسی قرار می‌دهد که به بهترین وجهی حقوق و آزادیهای اساسی اجتماعی را تضمین کند و بانفی عملی سلطهٔ امپریالیسم بر شرایط زیست و مبارزه پرولتاریا، بویژه مناسب‌ترین شرایط اقتصادی و سیاسی مبارزهٔ او برای سوسیالیسم را فراهم سازد.

آن نظام سیاسی که می‌باید با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جایگزین آن گردد نمی‌تواند جمهوری پارلمانی باشد. تجربهٔ سراسر جهان، و نیز اکنون تجربهٔ ایران، بخوبی ثابت کرده است که پارلمان همچون ارتش، پلیس و دستگاه بوروکراتیک دولت، یعنی ابزارهای حکومت سرمایه‌داران اعم از سلطنتی و جمهوری، چیزی جز ابزار سرکوب‌توده‌ها نیست.

"اتحاد مبارزان کمونیست" برای "جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران" مبارزه می‌کند که در آن :

الف) حکومت مردم بر مردم با استقرار دموکراسی شورایی، یعنی از طریق شوراها و مردم که هم بمثابه قانون‌گذار و هم بمثابه مجری قانون عمل خواهند کرد، اعمال گردد.

ب) ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای برجیده گشته و تسلیح عمومی مردم و میلیشیاها توده‌ای، جایگزین آنها شود.

ج) بوروکراسی دولتی، از میان رفته و کلیه مصادر امور، از پایین تا بالا، انتخابی بوده و هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند قابل عزل باشند و کلیه افرادی که به این ترتیب در محاسن امور قرار می‌گیرند، بدون استثناء حقوقی حداکثر برابری با متوسط دستمزد یک کارگر ما هر دریافت دارند.

"جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران" که

برارگان فوق منکی است باید نکات زیر را بنحوی همه جانبه و پیگیر  
تأمین کند:

(۱) حق حاکمیت مردم؛ سپردن حاکمیت مردم بدست شوراهای  
مردم و تشکیل کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم بمشابه  
عالیترین ارگان حکومتی کشور.

(۲) انحلال ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای و سازمان های  
جاسوسی و اطلاعاتی مخفی؛ تسلیح عمومی مردم، تشکیل  
میلیشای توده‌ای و انتخابی شدن کلیه فرماندهان و مربیان  
نظامی.

(۳) شرکت مستقیم مردم در اداره امور کشور؛ لغو اکید  
انتخاب استانداران، فرمانداران، شهرداران و بخشداران  
از سوی دولت، انتخابی بودن این مقامات در کلیه سطوح توسط  
مردم و قابل عزل بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب  
کنندگان اراده کنند.

(۴) انتخابی بودن قضات و سایر مقامات قضایی؛ قابل عزل  
بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند،  
لغو اکید هرگونه دادگاه‌های ویژه، علنی بودن کلیه محاکمات.

(۵) نظارت کامل مردم بر سیاست خارجی؛ لغو اکید دیپلماسی  
سری، شناسایی برابری حقوق کلیه ملل و پشتیبانی بدون  
قید و شرط مادی و معنوی از جنبش‌های انقلابی کارگری،  
دموکراتیک و ضد امپریالیستی در سراسر جهان.

(۶) جدایی کامل مذهب از دولت؛ لغو اکید:

هرگونه مذهب رسمی،

هرگونه امتیاز و تبعیض در مشاغل دولتی برحسب

مذهب و یا مقام مذهبی فرد،

هرگونه تبعیض و محدودیت در حقوق قانونی افراد بر

حسب اعتقاد و یا عدم اعتقاد آنان به مذهب،

هرگونه پرداخت کمک‌های مالی و غیر مالی دولتی به



## نهادهای و فعالیتهای مذهبی و

هرگونه مواد درسی و رسم و آیین مذهبی اجباری در

مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی .

کلیه افراد کشور در اختیار کردن هرگونه مذهب و پانداختن

هیچگونه مذهب و تبلیغات مذهبی و ضد مذهبی آزادند .

(۷) حق ملل در تعیین سرنوشت خویش ؛ کلیه ملیتهای کشور

آزادند که سرنوشت خویش را به هر شکل و منجمله با جدایی

کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند . "جمهوری انقلابی -

دموکراتیک کارگران و زمینکشان ایران" بر اساس اساسنامه

دراطلبانه ملیتهای ، و نه الحاق اجباری آنها ، تشکیل

میگردد .

(۸) لغو اکید هرگونه زبان رسمی اجباری ؛ آزادی ملیتهای

و قومها در بکار بردن زبان مادری خویش در مدارس ، ادارات ،

رسانه های گروهی و ... در کلیه نقاط کشور .

(۹) آزادی بدون قید و شرط عقیده ، مرام سیاسی و حق تبلیغ

و اشاعه آن برای کلیه افراد کشور ؛ آزادی نامحدود بیان ،

فلم ، مطبوعات و انتشارات .

(۱۰) آزادی بدون قید و شرط هرگونه تشکل ، فعالیت سیاسی و

صنفی ، تجمع ، تظاهرات ، اعتصاب و تعصن .

(۱۱) تساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر از

جنسیت ، مذهب و مرام و عقیده سیاسی ؛ برابری کامل زن و مرد

در کلیه حقوق قانونی ، رفع هرگونه تبعیض و محدودیت قانونی

از اقلیتهای مذهبی ، و رفع هرگونه محدودیت در حقوق قانونی

افراد بر حسب مرام و عقیده سیاسی .

(۱۲) آزادی انتخاب شغل و محل سکونت ؛ آزادی سفر و اقامت

در تمامی نقاط کشور برای کلیه افراد و ممنوعیت قانونی هر

فرد و محل سکونت او .

★ بمنظور ممنوع داشتن طبقه کارگر از تباهی جسمی و روحی و افزایش توان او در مبارزه برای رهایی از یوغ استعمار وستم سرمایه‌داری، اتحاد مبارزان کمونیست " خواستار تحقق نکات زیر برای کلیه کارگران است :

۱) تقلیل کارهفتگی به حداکثر ۴۰ ساعت و مقرر شدن حداقل دوروز استراحت متوالی در هر هفته برای هر کارگر؛ افزایش مرخصی سالیانه کارگران به ۳۰ روز، علاوه بر تعطیلات رسمی، با پرداخت حقوق و مزایای کامل؛ کاهش روزگار به حداکثر ۵/۵ ساعت برای کارهای شاق از قبیل کار در معادن؛ مقرر شدن دوروز مرخصی ماهانه اضافه برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل.

۲) تعیین حداقل دستمزد رسمی توسط نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه وسایل معیشت و رفاه خانواده ۵ نفری و افزایش سطح دستمزدها متناسب با بالا رفتن بهای وسایل معیشت و رفاه.

۳) تعیین دستمزد، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب سختی، مخاطرات، وضعیت بهداشتی و دیگری شرایط فیزیکی کار توسط نمایندگان منتخب کارگران.

۴) ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احاطه تصمیم نهایی در همه موارد اخراج به رای مجمع عمومی کارگران واحد مربوطه؛ نظارت نمایندگان منتخب کارگران بر استخدام.

۵) ممنوعیت هرگونه اضافه کاری.

۶) ممنوعیت شب‌کاری ( ۱۰ شب تا ۶ صبح ) در تمام رشته‌ها با استثناء رشته‌هایی که بدلائل فنی و یا رفاه اجتماعی شب‌کاری در آنها اجتناب‌ناپذیر است؛ محدود شدن کار شبانه در این رشته‌ها به حداکثر ۴ ساعت با پرداخت دستمزد و مزایای

## کامل .

۷) ممنوعیت هرگونه کار - مزدی ( اعم از قطعه کاری و کار کنترالی ) و ممنوعیت پرداخت دستمزد به صورت جنسی و غیر نقدی .

۸) ممنوعیت هرگونه جریمه های پولی و کسر دستمزد به بهانه های مختلف ؛ پرداخت حقوق برای غیبت های موجه ، دوران بیماری و نقاهت ، زمان اعتصاب و هرگونه توقف تولید به دلایل مختلف و یا به بهانه های کارفرما .

۹) احتساب زمان ایاب وذهاب ، استعجاب بعد از کار ، صرف غذا و زمان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی ، جزو ساعات کار کارگران .

۱۰) تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات محیط کار به حداقل ممکن مستقل از ملاحظات اقتصادی ؛ نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بهمهاریهای خاص ناشی از نوع کار ، به هزینه کارفرمایان و دولت .

۱۱) تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی توسط نمایندگان منتخب کارگران .

۱۲) تشکیل دادگاه های کارگری حل اختلاف با هیأت منصفه ای متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در موارد اختلاف کارگر و کارفرما ؛ هزینه تشکیل دادگاه ها باید تماماً برعهده کارفرمایان باشد .

۱۳) بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار ، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج از آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما یا مدیریت واحد تولیدی داشته باشد . به هزینه کارفرمایان و دولت یا تشخیص و نظارت نمایندگان منتخب کارگران ؛ پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح و ضایعات ناشی از کار

دچار بیماری و نقض عضو می‌شوند و با توانایی کار کردن را از دست می‌دهند. پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی به کارگران مورد اخیر.

۱۴) تفریل حداکثر سن بازنشستگی به ۵ سال و یا پس از حداکثر ۲۵ سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به کارگران بازنشسته، پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی کارگران متوفی به افراد تحت تکفل آنان، ترمیم حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها.

۱۵) ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که از نظر جسمانی برای زنان زیانبخش است و ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار.

۱۶) ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا.

۱۷) کاهش روزکار مادران شیرده به ۶ ساعت و دادن حداقل نیمساعت تنفس و استراحت به زنان شیرده در فواصل حداکثر به ساعت.

۱۸) ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال  
۱۹) تامین کلیه نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محلات سازمانی مسکونی؛ از قبیل: سالن اجتماعات، سالن ورزش، استراحت، غذاخوری، حمام و دستشویی، زمین و سالن ورزش شیرخوارگاه و مهد کودک، درمانگاه، کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان و دولت.

۲۰) تشکیل هیات‌های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران این هیات‌ها از چگونگی تحقق نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطور کلی تمام اماکنی که کارگران در آن مشغول به کارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و حسابرسی

خواهند کرد.

★ "اتحاد مبارزان کمونیست" ، همچنین بمنظور تسهیل امر بسط مبارزه طبقاتی در روستا و نیز بمنظور ارتقاء سطح فرهنگ و رفاه عمومی که به نوبه خود امر پیوستن سایر زحمتکشان جامعه را بسط مبارزه طبقه کارگر برای رهایی قطعی تسهیل خواهد کرد!

اولا در برخورد به جنبش های دهقانی و مسئله ارضی اعلام می دارد که:

از جنبه های انقلابی و دموکراتیک جنبش دهقانی حمایت کرده و اقدامات اتحادیه ها ، شوراها و ارگانهای دموکراتیک مناطقی و محلی را در امر معادله ، واگذاری و اداره تمام اراضی ، منابع آب و وسایل تولید کشاورزی و دامداری بهر نحو که این ارگانها صلاح بدانند ، برسمیت می شناسد .

خواهد کوشید تا همراه با تبلیغ مستمر سوسیالیسم بمثابه راه حل نهایی از میان بردن فقر و استثمار ، پرولتاریهای روستا را در تشکیلات مستقل طبقاتی اش سازماندهی کرده و او را در تعیین سمت و سوی جنبش دهقانی ، کسب و اعمال رهبری در ارگانهای محلی در مناطق روستایی و در تعیین چندی و واگذاری و اداره اراضی و وسایل تولید معادله شده ، حمایت و رهبری نماید .

● "جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان" کلیه منابع آب و اراضی شهری و روستایی سراسر کشور را ملی خواهد نمود . منظور از ملی کردن اینست که کلیه اراضی و منابع آب کشور تحت مالکیت دولت قرار گیرد ، در حالیکه حق بهره برداری و واگذاری آن در اختیار ارگانهای دموکراتیک محلی و منطقه ای مردم است .

ثانیا در زمینه رفاه عمومی تحقق نکات زیر را مطالبه می کند :

۱) بیمه بیکاری کامل و مکفی برپایه حداقل دستمزد رسمی برای هر فرد بیکار بالای ۱۸ سال .

۲) تامین و تضمین مسکن مناسب ( از نظر فضا ، بهداشت و خدمات شهری ) برای کلیه افراد کشور و اقدامات عاجل در این زمینه از طریق : معادله کلیه اماکن و فضا های مسکونی ، مزاد بر احتیاج اقشار مرفه ، ساختمان های اداری و دواپس دولتی زائد ، هتل ها و مهمانسرا های لوکس و اجرای پروژه های کوتاه مدت خانه سازی در اراضی معادله شده به هزینه دولت ، با تشخیص و توسط ارگانهای دموکراتیک مردمی .

۳) بهداشت و درمان ملی ، رایگان و مناسب برای کلیه افراد و اتباع کشور ، انحلال طب خصوصی و معاينه اجباری سالانه و منظم تمام افراد و اتباع کشور .

۴) آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد ، اجباری بودن آموزش تا سن ۱۸ سال .

۵) لغو کلیه دیون و بدهی های دهقانان به زمین داران و دولت و کلیه بدهی هایی که جنبه ربایی دارند .

۶) ایجاد تسهیلات فرهنگی و رفاهی در روستاها ؛ از قبیل برق ، تلفن ، لوله کشی آب آشامیدنی ، حمام ، راه ، مدرسه ، درمانگاه ، سالن اجتماعات و غیره به هزینه دولت .

۷) لغو هرگونه مالیات غیر مستقیم .

۸) قرار گرفتن کلیه کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال که فاقد تامین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده می باشند ، تحت تکفل دولت و همچنین تامین زندگی و رفاه معلولین و سالخوردهگان توسط دولت .

۹) استفاده رایگان تمامی مردم از امکانات و تسهیلات فرهنگی ، تفریحی و ورزشی عمومی .

۱۰) لغو هرگونه عوارض دولتی در مواردی چون ثبت ازدواج و طلاق، صدور اسناد و مدارک تحصیلی و گواهی نامه‌های فنی و پزشکی؛ و رایگان بودن امر کفن و دفن.

۱۱) ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال و آزادی تمامی افراد بالاتر از ۱۸ سال در تشکیل خانواده به اراده خود و بدون کسب اجازه از والدین؛ برسمیت شناخته شدن ازدواج از طریق ثبت در دفاتر دولتی بدون برگزاری هیچگونه رسم و آیین اجباری؛ لغو تعدد زوجات، برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفل فرزندان.

دولت انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران، مطالبات فوق را به هزینه سرمایه‌داران و از جمله از طریق معادله و ملی کردن سرمایه‌ها در هر سطح که لازم بداند، ملی کردن موقوفات و مقرر داشتن مالیات تصاعدی بر ارث و دارایی و بر درآمدهای حاصله از مالکیت وسایل تولید و مبادله تأمین خواهد کرد.

"اتحاد مبارزان کمونیست" قاطعانه اعلام می‌دارد که تأمین پیگیر و همه جانبه مطالبات سیاسی و اقتصادی حداقل پرولتاریای ایران تنها از طریق "جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران" ممکن خواهد بود. از این رو، "اتحاد مبارزان کمونیست" با تمام احزاب و جریانات فرمبستی که گسترش دخالت‌های پلیسی و بوروکراتیک دولت در امور زندگی توده‌های زحمتکش را بعنوان گامی به پیش تبلیغ می‌کنند، پیگیرانه مبارزه خواهد کرد. در عین حال خود را موظف به پشتیبانی از هر جنبشی می‌داند که مخالف نظام اجتماعی - سیاسی موجود بوده و بنحوی انقلابی در راه تحقق این مطالبات مبارزه کند.





بسیار کم بود که در آن زمان، به نظر می‌رسید که این کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی در حال توسعه است. اما در واقع، این کشور در حال انحطاط است. مردم ایران در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند. حکومت ایران با سیاست‌های نادرست و فساد، کشور را به ورطه تاریکیت انداخته است. مردم ایران خواهان تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اقتصادی کشور هستند. آنها می‌خواهند که حکومتی دموکراتیک و پاسخگو به نیازهای مردم تشکیل شود. این تغییرات می‌تواند به توسعه و رفاه مردم ایران منجر شود.

۱- به اعتقاد ما، با انتشار متن حاضر، اولین نمونه واقعی یک برنامه کمونیستی در دوران جدید فعالیت جنبش کمونیستی ایران، به جنبش طبقه کارگر ایران ارائه می‌شود. در این شک نیست که تاکنون سازمانها و نیروهای کمونیستی مختلف، متونی تحت عنوان "برنامه"، بطور وسیع و غلنی، ویا صرفا در سطح درون جنبش کمونیستی، ارائه داده‌اند. اما هیچک از این متون، صرفنظر از درجه اتکاء و یا عدم اتکاء آنها به احکام و اصول تئوری و برنامه مارکسیسم انقلابی، برنامه‌های کمونیستی نبوده‌اند. ملاک نهایی در تعریف یک برنامه مسسه کمونیستی، مشخص است. برنامه "تصویر روشنی از هدف نهائستی، شناخت صحیح از راه رسیدن به آن هدف، و مفهوم دقیقی از شرایط واقعی آن نقطه، یا وظایف فوری جنبش" بدست می‌دهد. این آوانتورسم انقلابی، این تعریف روشن از ارکان یک برنامه مسسه کمونیستی، صحت ادعای فوق ما را، برای تمام کسانی که امروز این امکان را دارند تا "برنامه"ها، "منی و برنامه"ها و "قطعنامه"ها، "فراخوان"ها و غیره گروه‌ها و سازمانهایی چون "سازمان بیگار..."، "سازمان رزمندگان..."، "گروه کمونیستی نبرد"، و غیره را با متنی حاضر مقایسه کنند، به ثبوت می‌رساند. در تمامی نمونه‌های فوق اصول

احکام و ملزومات پایه‌ای یک برنامه کمونیستی اساساً غایب است. آن اصول بنیادی چون ضرورت انقلاب اجتماعی پرولتاریا، خصلت بین‌المللی جنبش طبقه کارگر، اعلام اجتناب ناپذیری سوسیالیسم بر مبنای توفیق عملت و تضادهای جامعه سرمایه‌داری، ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و حزب کمونیست، موانع عذراء انقلاب اجتماعی پرولتاریا و بالاخره شرایط ویژه هر مقطع معین از مبارزه طبقاتی و اهداف فوری (حداقل) پرولتاریای انقلابی، هیچ‌یک مگر بگونه‌ای، خام، مغدوش و ناقص، طرح نشده‌اند. نه هدف، نه شناخت صحیح از راه رسیدن به آن و نه درک روشنی از وظایف فوری، هیچ‌یک در اینگونه متون منظور نبوده‌اند. همین امر، صرفنظر از محتوای غیر کمونیستی اکثر این متون و نوشته‌ها، مانع از آن است که بتوان آنها را "برنامه" و "آنهم" "برنامه کمونیستی" نامید.

آنچه خصلت اساسی اینگونه بیانیه‌ها، قطعنامه‌ها، و پلان‌فرم‌ها را، علیرغم اینکه به غلط در مواردی نام برنامه بر آن نهاده شده است، تشکیل می‌دهد، نوعی موضع‌گیری تاکتیکی در قبال انقلاب دموکراتیک و آنهم در قبال برخی وجوه معین آن بوده است. تفاوت میان برنامه کمونیستی و "بیانیه اعلام مواضع" را می‌توان به روشنی در سیر حرکت خود ما و در مقایسه جزوه "انقلاب ایران و نقش پرولتاریا، خطوط عمده" آذر ۵۲، با برنامه حاضر مشاهده کرد. "خطوط عمده"، علیرغم اینکه واقعیات مبارزه طبقاتی صحت و استواری احکامش را به روشنی به ثبوت رسانیده است و نیز علیرغم اینکه بیش از دو سال نقطه اتکاء و راهنمای ما، سویزه در امر مبارزه ایدئولوژیک علیه سلطه تفکر خرده بورژوازی برجانبش کمونیستی ایران بوده است، در مقایسه با متن حاضر، به سختی می‌تواند حتی "شکل جنبشی یک برنامه کمونیستی" محسوب شود. "خطوط عمده" در تحلیل نهائی برخوردار از پرولتری به یک انقلاب دموکراتیک معین را تبیین می‌کند، و علیرغم اینکه این نقطه قدرت را دارد که انقلاب حاضر را از دریچه محفوس ملزومات افتتادی و سیاسی تحولی وقفه این انقلاب به یک انقلاب

سوسیالیستی می‌نگرد، اما هنوز تصویر روشنی از هدف نهایی راه رسیدن به آن و اهداف فوری جنبش بدست نمی‌دهد. در شرایطی که بحران‌های هرچه وسیع‌تری از جنبش کمونیستی می‌روند تا تازه موضع پرولتاری، استحکام میانی، و حتی محاسبات شکل عرضه ترهای جزوه "خطوط عمده" را "گش" کنند و با سرعت تمام (چون بیکار تئوریک ۲) به افساسی و حتی روسوبی از قطعات و بندهای مختلف آن بپردازند، ما، خود اعلام می‌کنیم که دو سال مبارزه براساس جزوه "خطوط عمده"، امروز ما را به فراتر رفتن از آن و ارائه این برنامه ملزم و قادر ساخته است، و این برنامه چکیده دو سال پیشروی از سنگ‌های رستمان ۵۲ را درخود جمع دارد.

این واضعیات، درکنار محتوی و جهت‌گیری طبقاتی روشن این برنامه، و مرزبندی صریح و قاطع آن در تمامی بندها، با ادراکات بورژوازی و خرده بورژوازی رایج در جنبش کمونیستی، به ما اجازه می‌دهد که صریحا اعلام کنیم که دقیقا چون "خطوط عمده" در دو سال قبل، برنامه حاضر ما، پیشروترین سطح ادراکات برنامه‌های جنبش کمونیستی ایران را در این مقطع معین نمایندگی می‌کند و ما همراه برآسیم که جنبش کمونیستی و کارگری ایران را به مبارزه حول پرچم میانی این برنامه فراخوانیم.

اما این پیشروترین سطح ادراکات برنامه‌های نیزخود پدیدهای رو به تکامل است، و در شرایط انقلابی حاضر و با خیزش نوین جنبش طبقه کارگر، صریحا هم رویه تکامل است. ما به سهم خود خواهیم کوشید تا سربینای سیر رویه اعتلای مبارزه طبقاتی در عرضه‌های ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی، خود فعال‌ترین عنصر تکامل بخش این برنامه باشیم. پرچم این برنامه امروز در سیمه راه تشکیل حزب طبقاتی پرولتاریای ایران برافراشته می‌شود و تنها می‌تواند جای خود را به آن پرچمی بدهد که پرولتاریای متشکل تر، آگاه تر و مبارزه‌طلبانه‌تری بسط یافته تر را نمایندگی خواهد کرد. دست یافتن به آن سطح اعتلا یافته مبارزه طبقاتی و آن پرچم درآینده، امروز معنای عملی دیگر

وراء دیگری جز مبارزه ، در تمام سطوح ، حول پرچم این برنامه  
ندارد.

۴ - نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم ، اهمیت جایگاه  
ویژه یک برنامه روشن کمونیستی در اوضاع سیاسی کنونی ایران است .  
در شرایطی که جنبش توده‌ای و کارگری اعتلای نوینی می‌یابد و لیبرالیسم  
بورژوازی می‌رود تا بار دیگر خائنانه این جنبش را به سلخ تسلیم به  
خدا انقلاب رهنمون شود ، نقش حیاتی کمونیستها و آلترناتیو پرولتری  
در سازماندهی و رهبری جنبش پرولتری وارد و گساره انقلاب اهمیت ویژه  
چندان می‌یابد . ما در متون مختلف ، وبالاخص در سرمقاله و قسمت سوم  
بحث "دو جناح در خدا انقلاب بورژوا - امپریالیستی" ، مندرج در نشریه  
"بحر میسالیسم" شماره ۴ ، به تفصیل جایگاه محوری برنامه را  
در تبدیل جنبش کمونیستی به آلترناتیوی برای رهبری جنبش انقلابی  
شکافتیم و در اینجا از توضیح بیشتر این مساله اجتناب می‌کنیم و  
خواننده را به مطالعه مقالات فوق رجوع می‌دهیم .

۳ - توضیح چند نکته در مورد ترکیب این برنامه و مبانی نگارش  
آن ضروری است . این برنامه به دو بخش کلی تقسیم می‌شود . بخش  
حداکثر ( اصولی ) ، رهوس آن احکامی را که هدف نهایی جنبش کمونیستی  
وراء رسیدن به آن را تعریف می‌کند ، در بر می‌گیرد . سوسیالیسم ،  
و اجتناب ناپذیری آن ، خطت بین‌المللی جنبش طبقه کارگر ، دیکتاتوری  
پرولتاریا ، حزب و ... رهوس آن احکام پایه‌ای است که در این بخش  
برنامه بطرز فشرده‌ای طرح می‌گردد . در این بخش بحث از مشاهده و اعلام  
استقرار سرمایه‌داری در ایران و مکان محوری مبارزه پرولتاریا علیه  
بورژوازی در کشور ما آغاز شده و خصوصیات اساسی و عام جامعه سرمایه‌داری  
که تحقق سوسیالیسم را اجتناب ناپذیر می‌سازد ، را بر می‌شمرد ،  
ملزومات پیروزی انقلاب اجتماعی را تعریف می‌کند و سپس در سطح  
خاص تری به ویژگی‌های کنکرت سرمایه‌داری عصر حاضر می‌پردازد .  
خصوصیات ویژه سرمایه‌داری ایران ، که اهداف فوری خاصی را در دستور  
جنبش طبقه کارگر ایران قرار می‌دهد ، تاکید می‌شود و سپس این قسمت

با شرح گونا‌هی از خصوصیت اصلی موقعیت کنونی مبارزه طبقاتی و انقلاب حاضر پایان می‌پذیرد. بخش دوم، بخش اهداف فوری طبقه کارگر ایران، یعنی بخش حداقل برنامه است که محتوای سیاسی و اقتصادی بیش‌ترهای بسیج پرولتاریا برای انقلاب سوسیالیستی را در چهارچوب اهداف فوری معینی تعیین می‌کند. این بخش خود شامل تعریف روشی - سیاسی کلی جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زمینگشان، عنوان چکیده کل برنامه حداقل، بخش مطالبات سیاسی، مطالبات اقتصادی فوری برای کارگران و مطالبات عمومی (شامل برخورد بسط جنبش دهفانی و مساله ارضی) است که اساساً ارتفاع سطح مبارزه زمینگشان غیر پرولتر در جامعه را مدنظر دارد.

در تدوین این برنامه، ما عا‌مدانه برخی از اصول کلاسیک نگارش برنامه، برای مثال اصل اجتناب از تکرار و تفصیل، را بسا توجه به ذهنیت کنونی جنبش کارگری و کمونیستی ایران و انحرافات وابها‌ماتی که بر سر بسیاری مقولات پایه‌ای حتی در جنبش کمونیستی ما رواج دارد، تا حد معینی زیر پا گذاشته‌ایم. عبارت دیگر تا حدودی اصولی‌گری در شکل رافدای روشن تر عرضه کردن محتوای برنامه کرده‌ایم. همچنین، به همین خاطر، در دو بند ۸ و ۱۰ بخش اصولی، دو پاراگراف بصورت تصوره به بندهای اصولی آورده‌ایم که عملاً از سطح تحلیل و تحرید در این بندها فراتر می‌روند، و به موقعیت خاص حاضر اشاره می‌کنند (امری که وظیفه پلانفرم‌ها و قطعنامه‌ها است). برای اینکه این سمره‌ها روند تحلیلی و سطح تحرید بخش اصولی را برهم نزنند، ما این دو پاراگراف را اساساً به مشخص کرده‌ایم. این عمل را ما در این مقطع مفید دانسته‌ایم، اما طبیعی است که در یک برنامه تدقیق شده حزی که خود تنها می‌تواند بازتاب و حاصل سطح ارتفاع یافته تری از مبارزه پرولتاریا در سطوح مختلف باشد، رفع این نواقصی در شکل، ضروری و در عین حال ممکن خواهد گشت.

۴ - این برنامه مبنای اهداف و شعارهای تاکتیکی و آکسیون‌های ما،

چون "اتحاد کارگری علیه بیکاری" ، "تشکیل شوراهای انقلابی کارگری" و امثال آن است. عبارت دیگر شعارهای ناکسیتی و آکسیون با آن شکل مشخص انقلابی است که مبارزه برای تحقق اهداف حداقل ، و با جنبه های خاصی از آن ، در هر مقطع باید بر بستر آن شکل گیرد و سازمان یابد.

۵ - طبعاً ضروری است که در کنار برنامه تفصیل آن نیز منتشر شود. این اقدام در دستور کار ما قرار می گیرد. اما برای نکنه ناکید می کنیم که بسط واقعی این برنامه ، تا آنجا که بسط شوریک آن مدنظر است ، کلیت آن مباحثات شوریک ، پلمیک های سیاسی و نوشته های آموزشی خواهد بود که حول این برنامه سازمان می یابند و بخش عمده آنچه ما در طول دو سال گذشته تدوین و طرح کرده ایم در محتوای امر جز بسط تفصیلی بخش هایی از این برنامه نبوده اند. اینک ما ارائه این برنامه ما امکان می یابیم که به برائیک خود در عرصه های مختلف اقتصادی ، سیاسی و شوریک مبارزه طبقاتی خصلتی آگاهانه تر و نقشه مند تر بسخیم . در زمینه مبارزه ایدئولوژیک ، این امر به معنای سازماندهی مبارزه علیه رویزیونیسم ، اپورتونیسم و آتاریسم در ارتباط تنگاتنگ با بندهای منحنی این برنامه است. اینک بیروستی می توان نشان داد که این با آن تر رویزیونیستی و اپورتونیستی مشخصا کدام حکم و بند پایه ای یک برنامه مارکسیستی - لنینیستی را بریز سوال می برد و نطفی و نقش می کند و این خود کام مهمی در افشاء کردن و پایان دادن به زنگارهای بی استهای گرایشات رویزیونیستی و اپورتونیستی خواهد بود . بعلاوه ، با سوق دادن و ناگزیر کردن خط مشی های انحرافی درون جنبش کمونیستی به اعلام اینکه بالاخره "حرف حساب برنامه های شان" در مقابل برنامه ما چیست ، امکان خواهیم یافت تا گریبان پرولتاریای ایران را از بسطی بی باری های توحیه گرایانه گرایش های حربه بورژوازی رها کنیم و کار طبقه کارگر را در بار شناختن نمایندگان فکری واقعی اش ، سهل تر سازیم .

۴- از نظرها این برنامه بعلاوه بلانفرم های ناکتیگسی و  
نغارهای آکسیونی که ناکسون طرح کرده ایم و در آینده در برخورد به  
مسائل مبارزه طبقاتی و انقلابی طرح خواهیم کرد، مجموعه مواضع  
گروهی ما را در هر مقطع تشکیل می‌دهد.

تکثیر از:

نشر ای دانشجویان ایرانی طرفدار آزادی طبقه کارگر (برلین غربی)